... ری المسمی بترجمة الخواص
... من مؤلفه الشیخ علی بن الحسن
... تلامذة المحقق الکرکی صاحب
... استاد المولی فتح الله الکاشانی
... توفی فی سنة ۹۸۸ وله تالیفات
... شرح نهج البلاغة بالفارسیة
... ۹۳۸ و ترجمة مکارم الاخلاق
... الصدوق و تفسیر الامام
... فی قصص الانبیاء بالفارسیة
... بالفارسیة و کتاب لوامع
... الفارسیة و رسالة مرآة الصفا
... من اعمال اصبهان معروف
... بنی السبطین ... علیهما
... و کاتبه عبدالقادر بن محمود القهپائی
... خط بدیع و هذه النسخة نصف
... الاخری منه من سورة الکهف
... فصاحة من حوادث الزمان ...
... ۱۳۹۵ ...
و الحمد لله رب العالمین و ... ذلک فی رجب المرجب
الاحقر مصطفی الحسینی ... عفی عنه و عن والدیه

۱۳۷۲ / ۵ / ۲۰

آستان قدس

کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

المجلد الاول

نام کتاب ترجمة الخواص جزء اول

مؤلف متن ... محشی

شارح ... مترجم خط عبدالقادر بن محمود قهپائی

تاریخ تحریر ۱۰۶۹ نوع خط نسخ تعداد سطر ۲۳ سطری

جزء کتب تفسیر زبان فارسی عدد اوراق ۳۳۳ ورق

طول ۳۰/۷ عرض ۲۰ شماره عمومی ۲۰۲۴۴

وقفی / خریداری ... تاریخ وقف / خریداری خرداد ۱۳۷۲

ملاحظات ...

فیلمخانه

آستان قدس رضوی

بسم الله الرحمن الرحيم

لقد انتقل اليّ هذا الكتاب تفسير الزواري المسمّى بترجمة الخواص
وفرغ منه في ٩٤٧ او ٩٤٦ وكان مؤلفه الشيخ علي بن الحسن
الزواري المتوفى سنة ــــ من تلامذة المحقق الكركي صاحب
جامع المقاصد المتوفى سنة ٩٤٠ واستاد المولى فتح الله الكاشاني
صاحب تفسير منهج الصادقين المتوفى سنة ٩٨٨ وله تأليفات
كثيرة سوى هذا التفسير الشريف شرح نهج البلاغة بالفارسية
وترجمة كشف الغمة فرغ منها سنة ٩٣٨ وترجمة مكارم الاخلاق
وعدة الداعي والاحتجاج واعتقادات الصدوق وتفسير الامام
العسكري عليه السلام وكتاب مجمع الهدى في قصص الانبياء بالفارسية
وكتاب تحفة الدعوات في اعمال السنة بالفارسية وكتاب لوامع
الانوار الى معرفة الائمة الاطهار بالفارسية ورسالة مرآة الصفا
بالفارسية والزوارى بكسر الزاء قصبة من اعمال اصبهان معروف فيها
بقعة المزارات للذرية العلوية من بني السبطين الحسن والحسين عليهما السلام
فيها والنسخة كتبت في سنة ١٠٦٩ وكاتبه عبد القادر بن محمود القهپائي
وسقطت صفحة الاولى منها فكتبته بخط يدي وهذه النسخة حاوية نصف
التفسير الى آخر سورة بني اسرائيل والمجلد الاخرى منه من سورة الكهف
الى آخر سورة الناس تمام القرآن الكريم فصار من جوائز الزمان لدي
والحمد لله رب العالمين وكان ذلك في رجب المرجب ١٣٩٥ حرره
الاحقر مصطفى الحسيني الصفائي الخوانساري عفي عنه وعن والديه

بسم الله الرحمن الرحیم

حمد بی حد و شکر بلا عد منعمی را که بسیر که شقایق حقایق قرآنی را در حدائق صدور انسانی بشکفانید و فوایح انوار
اشجار و ازهار بهار رایق قرآنی را بمشام جان و جنان ایشان رسانید و از حضیض ذلت جهل بعزت اوج علم
ترقی داد و بعد از مصالح دینی و دنیوی اهل تکلیف را بر احکام صحیفه ربانی هادی تا در تفکر و تدبر کلام فرموده
بدان عمل نمایند و فراخور آن نعیم جاودانی و نعم جنانی بیابند و صلوات سامیات و تحف تحیات زاکیات بر سید
رسل و نسیم کل توکل و مامور برتل شاه ایوان نبوت ماه آسمان رسالت مخاطب بخطاب معجز نظام و ما ینطق عن
الهوی متکلم بکلام میمنت انجام ان هو الا وحی یوحی محمد مصطفی ص و بر آل نامدار و عترت عالی مقدار او که هر یک در یتیم عمان
علائه و جوهر کان احکام خصوصا ابواب سنتا صفیا و افضل اوصیا و امام مشرف بتشریف لافتی امیر المؤمنین و امام ۲ تاجدار هل اتی
المتقین و صفوت الهاشمیین علی المرتضی المعلی المزکی صلوات الله علیهم العلی العالی الاعلی اما بعد بر ارباب
دین مبین و اصحاب متین یقین مبرهن و معین است که الفاظ شریف قرآنی در نهایت فصاحت ۳ ولا رطب ولا یابس
و غایت بلاغت اند و معانی لطیفه قرآنی بحکم بلا حد و غایت و هر کس بقدرت قوت و توانائی از
مقاصد دینی و مطالب دنیوی استنباط نموده اند و رتبه جهالت و غفلت بدان وسیله از آیینه ضمیر
خود زدوده بلا اشک دولت عاجل و سعادت آجل و حاصل است و فایده او عامست و تفحص تمام
و بعضی از ارباب تفسیر رحمهم العلی الاعلی از برای سهولت انام بترجمان اقدام نموده اند و در معانی انوار
جوهر و محاسن خاص و عام کشوده اند و لکن اکثر آن از اظهار آیات با برکات که در شان امیر المؤمنین
و از مناقب باقی اهل بیت سید المرسلین علیهم الصلوة و السلام خالیست و از احکام آنچه مطابق و موافق
طریقه حقه جلیله ایشانست عاری بنابر این بنده حقیر قلیل البضاعه علی بن الزواری احسن
احسن الله احواله و جعل بالخیر ماله مرتکب ترجمه آن شد که التیام یافته از وی اختصاص بترجمان
خواص بعد و جهی که آنچه از آیات در شان امیر المؤمنین و آل سید المرسلین صلوات الله
علیهم اجمعین باشد بر اقوال حقانی محققان از اهل تفسیر روح الله ارواحهم اظهار نماید
و هر چه از مناقب ایشان از منطوق آن مفهوم گردد ایماء بآن بکند و از احکام آنچه از
از اقوال در باب ایشان بوده و آن نیز که مطابق و موافق طریقه حقه ایشان باشد
مبین گردانیده و ترجمه مواهب العلیه نور الله مرقد مؤلفها بقدر احتیاج بشرط توافق منظور
داشته و از برای سهولت طالبان طریق اطناب را گذاشته مکرر در سور و فقیه فاتحه
فاتحه که اصل همه کتب و ام القرآن است و صحت صلوة که افضل عبادات بدنیه منوط بآنست
و امور عجیبه و علوم غریبه در او مندرج هر تبرکه مرغ ایجاز را در مجال پر و از نیست پس لا جرم
طناب اطناب را کشیده داشتن در آن اقرب و اولی است و در باقیات بجهت ضبط و ۴ استعاذه
ایجاز و اختصار انسب و اولی و الله الموفق و المولی و قبل از شروع در بیان ام الکتاب
فواید و نکات چند در باب استعاذه گفته میشود الاستعاذه اعوذ بالله من
الشیطان الرجیم پناه میگیرم و التجا مینمایم و امان میطلبم و یاری میجویم و فریاد میخواهم
بمعبود بحق و خداوند مطلق از شر و وسوسه دیو فریبنده و رانده از رحمت
یا محروم شده از وادی جنان یا رمیده گشته آسمان بدانکه استعاذه یکی از
ظروریات طالبان درجات و عطیاتست و همه پیغمبران صلوات الله علیهم
باستعاذه اقدام نموده اند و بواسطه آن بفوز و فلاح دارین مشرف گشته اند
اول

نوح نجی علیه

آن بفوز

[illegible]

آن بفوز و فلاح دارین مشرف گشته اند اول نوح نجی علیه السلام بحق تعالی استعاذه نمود و گفت [illegible]
حق تعالی آن استعاذه او را قبول فرمود و بعد از آن دو خلعتش کرامت کرد یکی برکت و دیگری
سلامت که [illegible] و دیگر ابرهیم خلیل صلوات الرحمن علیه آنوقت که او را در آتش انداختند
استعاذه بحق تعالی نمود و گفت [illegible] حق تعالی آن قبول فرموده دو خلعتش ارزانی
داشت یکی خلت که [illegible] و دیگری سلامت که [illegible] و دیگری یوسف صدیق ع
بحق تعالی پناه برد و گفت [illegible] حق تعالی او را پناه داد و دو خلعت بخشید یکی عصمت که [illegible]
و دیگری مملکت [illegible] و دیگر موسی ع بحق تعالی پناه برده گفت [illegible]
حق تعالی او را پناه داد و دو خلعت یکی مکالمت [illegible] و دوم قربت که [illegible] و دیگر زن عمران مادر
مریم علیها السلام پناه بر بحق جل و علا که [illegible] پناهش داد و دو خلعت یکی دختر نیک اختر
چون مریم که [illegible] و دیگر تقبل و تربیت که [illegible] بعد از آن مریم نیز پناه
برد که [illegible] حق تعالی پناهش داد و دو خلعت یکی فرزند ارجمند چون عیسی ع که [illegible]
و دیگر رفع تهمت از وی که [illegible]
[illegible] اما پیغمبر ما صلی الله علیه و آله بپروردگار خود پناه برد که [illegible]
[illegible] حق سبحانه و تعالی پناهش داد با خلعتها و کرامتها یکی متبوعیت در دنیا که
[illegible] و دیگر شفاعت در عقبی که [illegible]
و دیگر افضلیت و خاتمیت نبوت که [illegible] و دیگر دختر نیک اختر مثل فاطمه زهرا علیها السلام
و دیگر وصی و داماد مثل امیر المؤمنین صلوات الله علیه که [illegible] و دیگر نسل پاکیزه و ذریت طاهره مانند
معصومین صلوات الله علیهم اجمعین که [illegible]
مؤمن باید که بمتابعت ایشان استعاذه نماید بحضرت عزت تخصیص و تعیین وقت قرآن تا حق سبحانه و تعالی او را در پناه خود درآورد
تا او را نیز دو خلعت کرامت کند که رضی الله عنهم و رضوا عنه و دیگری لقاء الله [illegible]
[illegible] و استعاذه متنوع است بعضی بزبان کلمه اعوذ گویند و ارکان متابعت کنند آن استعاذه پسندیده نباید
نباشد و استعاذه حقیقی آنست که مرد وورود شیطان و طریق اغوا و اضلال او بازشناسی و از هر سبیل که بقصد تضلیل تو می آید
راه بروی در بندی و ارباب مجاهده که عنان اختیار از دست مکائد ربوده اند فرموده اند که از راه بدی می آید از راه حرص و آنرا
بقناعت توان بست و آیه کریمه [illegible] نصب العین خود ساخت از راه شکافتن دین و عمل
در می آید آنرا بخوف مرجوت ملاحظات مسدود باید کرد و التجا بکریمه [illegible]
[illegible] از راه طلب راحت و نعمت در می آید و آنرا بزوال نعمت و سوء حساب مقابله باید نمود و تاکید بر تو جهد
[illegible] باید کرد و از راه عجب و خودبینی در می آید آن رهگذر را بخوف عاقبت مسدود باید ساخت
و بتقویه از آیه [illegible] باید ساخت و بیم دخل و تصرف وی از ره استخفاف برادران مؤمن است آنرا بحرمت [illegible]

وبانی شود هر آینه جود با جود آنکه امساوی نخواهد بود جهت آنکه برای نفس خود چیزی از آن باز خواهد گرفت و از کرسنگی نخواهد ترسید و خدای تعالی از جود
دو چیز منزه است و هست آدمی بخیل و جمع کننده مال زیرا که بنای امر او بر حاجتست و امساک چیزی که محتاجست بآن و ملاحظه عوض در آنچیز که بذل میکند مگر بعضی
با وجود احتیاج ایثار کند و عوض ملاحظه ننمایند مانند اهل بیت علیهم السلام چنانچه سوره هل اتی بآن ناطق است ولقد آتینا موسی تسع آیات بینات فسئل بنی اسرائیل
اذ جاءهم فقال له فرعون انی لاظنک یا موسی مسحورا و بدرستی که ما دادیم موسی را علیه السلام نه آیت روشن یعنی معجزه آشکارا که آن عصا بود و ید بیضا
و جراد و قمل و ضفادع و نقص ثمرات و غیر این نیز گفته اند چون انفلاق بحر و انفجار آب از حجر و رفع طور بر سر بنی اسرائیل و طمس اموال قبطیان و ازاله عقده از زبان
و فرو بردن عصا حبال و عصی سحره را و امثال این و آنچه در حدیث صفوان آمده که دو یهودی از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله از تسع آیات پرسیدند و ایشانرا جواب داد
که شرک میاورید و خون بناحق مریزید و از زنا و سرقه و اکل ربا و سعایت و قذف محصنات دور باشید و از جهاد مگریزید مراد از آیات احکام عامست که در هر ملتی ثابت بوده
و لهذا در آخر فرموده که خاصه شما که یهودید آنکه در روز شنبه از حد فرمان در نگذرید پس بپرس ای محمد از بنی اسرائیل یعنی از علماء ایشان همین آیات تا صدق قول تو بر منکران
کردد یا سؤال کن از یهود که چون آمد موسی بر ایشان چه گذشت میان وی و فرعون پس گفت موسی را فرعون بدرستی که من گمان میبرم ترا ای موسی جادو کرده و عقل تو مختلط شده
قال لقد علمت ما انزل هؤلاء الا رب السموات والارض بصائر وانی لاظنک یا فرعون مثبورا گفت موسی علیه السلام بدرستی که دانسته ای
اگرچه بزبان تلفظ نمیکنی که بی شبهه نفرستاده این آیات سبعه را مگر پروردگار آسمانها و زمینها آیتهای روشن که هر یک دلیلست بر نبوت من و من یقین میدانم ترا ای
فرعون هلاک شده یا مغلوب یا ناقص العقل فاراد ان یستفزهم من الارض فاغرقناه ومن معه جمیعا پس خواست فرعون آنکه برانگیزد و دور کند موسی و قوم
از زمین مصر پس غرق کردانیدیم او را و هر که با او بود تمامی وقلنا من بعده لبنی اسرائیل اسکنوا الارض فاذا جاء وعد الآخرة جئنا بکم لفیفا و گفتیم
بعد از غرق شدن فرعون مر بنی اسرائیل را یعنی یعقوب را که شما ساکن شوید در زمینی که ایشان شما را میخواستند که بیرون کنند پس چون بیاید وعده سرای دیگر یعنی قیامت شود بیاریم
شما را و ایشانرا بحشرگاه مجتمع آمیخته با هم پس حکم کنیم میان شما تا ممیز شود سعدا از اشقیا وبالحق انزلناه وبالحق نزل وما ارسلناک الا مبشرا ونذیرا و بسبب
حکمت فرو فرستادیم قرآن را و براستی فرود آمده در بیان آورده که یعنی علی است و مراد از حق حضرت محمد است صلی الله علیه و آله یعنی بر محمد فرود آمد
محمد بن سماک بیمار شد بعضی تا روره او را بطبیب ترسایی میبردند مردی نیکو روی خوشبوی جامه پاکیزه پوشیده با ایشان رسید و صورت حال پرسید
فرمود که سبحان الله که دوست خدای تعالی از دشمن خدای تعالی استعانت میکنند باز کردید و با ابن سماک بگوئید که دست خود بر موضع وجع نه و بگو
بالحق انزلناه وبالحق نزل و از چشم ایشان غایب شد باز گشتند و قصه بعرض وی رسانیدند دست بر آن موضع نهاد و این کلمات بگفت فی الحال شفا یافت
و گفته اند آنکس صاحب الزمان بوده علیه السلام و نفرستادیم ترا ای محمد مگر مژده دهنده مطیعان را بثواب و بیم کننده عاصیان را بعقاب وقرآنا فرقناه
لتقرأه علی الناس علی مکث ونزلناه تنزیلا و پراکنده فرستادیم قرآن را یعنی آیه آیه و سوره سوره تا بخوانی آنرا بر مردمان بمهلت
درنگ و مهلت چه آن برای حفظ آسانترست و بفهم نزدیکتر و فرو فرستادیم آنرا بر حسب حوادث و مصالح فرو فرستادنی در مدت بیست سال قل
آمنوا به او لا تؤمنوا ان الذین اوتوا العلم من قبله اذا یتلی علیهم یخرون للاذقان سجدا ویقولون سبحان ربنا ان کان
وعد ربنا لمفعولا بگو ای محمد مر آن گروه را که ایمان آرید بقرآن یا ایمان میارید امر بر سبیل تهدید یعنی ایمان شما بود در کمال وی نیفزاید و از عدم ایمان
برو هیچ نقصان نمیرسد بدرستی آنانکه داده شده اند علم را پیش از نزول قرآن یعنی آنها که کتب آسمانی خوانده اند و حقیقت وی شناخته اند و امارات ۲ و علامات
نبوت معلوم کرده چون ابن سلام و اتباع او از یهود و نجاشی و اصحاب او از نصاری یا طالبان دین چون سلمان و ابوذر غفاری و ورقة بن نوفل
ایشان چون خوانده شود قرآن بر ایشان بیفتند بر زنخهای خود یعنی بر رویها در حالتی که سجده کنندگانند برای تعظیم امر خدا یا بجهة شکر انجاز وعده الهی
که در کتب خوانده بودند از ارسال محمد صلی الله علیه و آله و انزال قرآن و گویند منزه و پاکست پروردگار ما از خلاف وعده خود بدرستی که هست ۳ وعده پروردگار ما
کرده شده یعنی واقع است بلا شک ویخرون للاذقان یبکون ویزیدهم خشوعا و بیفتند بر رویهای خود یعنی در سجده ذکر ذقن بجهة آنست
که اول چیزی که از وجه سجده بزمین ملاقی میشود اوست گفته اند سجده اول بر شکرست و این سجده بجهة تأثر از مواعظ قرآن لاجرم درین سجده
که بگویند و زیاده کند سماع قرآن ایشان را فروتنی و تضرع از سجده چهارم است این از سجدات قرآن و این را سجود تجلی میگویند
خشوع ایشان زیاده میشود و خشوع نمیباشد الا از تجلی پس زیادتی خشوع دلیل زیادتی تجلی باشد و ساجد باید که ببرکت این سجده از فیض تجلی بهره

کردند خشوع و خضوع

خضوع و خشوع او بیفزاید آورده اند که رسول صلی الله علیه و آله در سجود میفرمود که یا الله یا رحمن مشرکان با یکدیگر گفتند که محمد صلی الله علیه
ما را از پرستیدن دو خدای منع میکند خود دو خدای را میخواند این آیه آمد که قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن ایا ما تدعوا فله الاسماء
الحسنی ولا تجهر بصلاتک ولا تخافت بها وابتغ بین ذلک سبیلا بگو بخوانید خدا را یا بخوانید رحمن را که هر دو لفظ بر یک ذات اطلاق میکنند
و بعضی گویند که اهل کتاب با حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله گفتند که خدای تعالی در توریة ذکر رحمن بسیار کرده و تو بدین اسم که یاد میکنی این آیه نازل شد که
این دو اسم در حسن اخلاق برابرند هر کدام را که بخوانید نیکوست و بان حق را خوانده باشید پس مر او راست نامهای نیکو بعضی دال بر صفات جلال و بعضی
مشتمل بر صفتهای اکرام ابن جبیر گوید یا ابن عباس که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله قراءت بجهر میفرمود در نمازها هر وقت صلوة یومیه در مسجد الحرام قراءت
کردی اهل شرک بلهو و صفیر و تصدیه مشغول شدندی تا شاید که آنحضرت در غلط افتاده ترک قراءت کند حق سبحانه و تعالی فرمود که آشکارا مکن قراءت
نماز خود را یعنی بلند بخوان تا مشرکان استهزا نکنند و آواز فرو مدار بآن حدی که خشوع آن نه آنکه در عقب تو نماز میکنند نشنوند و بطلب میان جهر و تخافت راهی
میانه چه اقتصاد در همه امور محبوبست یا آنکه بلند قراءت مکن در همه نمازها و آهسته مکن قراءت در همه بلکه جهر کن بصلوة لیلیه و فجر و اخفات
کن بظهر و عصر و در مغرب و عشا در رکعات اخیره آنها پس در دو رکعت اول هر یک جهر باید از مغرب و عشا و میان این و آن بدین کن راهی یعنی بعضی
جهر و بعضی اخفات چنانچه واقع است و در نوافل نهار اخفات اولی است و در نوافل لیل جهر و بعضی گویند خطاب بهر یک از اهل تکلیفست جهر مکن
یعنی از نمازهای مرتبه که موجب ریا باشد و اخفات مکن یعنی در اخفا مکوش بحدی که گمان ترک نماز شود در تهاون بدان و راهی میان اختیار باید ۲ و فرایض ۳
کن و لذا در مسجد و نوافل در منازل اولی است لیکن در همه جهر بسمله مستحب است چه نقل از امام حسن عسکری علیه السلام کرده اند که علامات
مؤمن پنج است تعفیر جبین و انگشتری بیمین و پنجاه و یک رکعت نماز هفده فرض است و سی و چهار سنت و زیارت اربعین که زیارت
امام حسین است علیه السلام در بیستم ماه صفر و در همه نمازها بسم الله الرحمن الرحیم بجهر گفتن وقل الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن
له شریک فی الملک ولم یکن له ولی من الذل وکبره تکبیرا و بگو ستایش و ثنا مر خدای را آنکه فرا نگرفت فرزندی زیرا که اگر او را فرزند
باشد هر آینه بقاء نوع او و تعاقب اولادش بوده مانند سایر ذی حیات از آدمی و حیوان لیکن چنین نیست زیرا که بقاء نوع او نیست مگر ببقاء شخص او چه
او واجب الوجود است جل ذکره و نیز اگر او را ولد میبود ناچار بود از صاحبه و زوجه پس باید که او را شهوت و وقاع باشد و این در وی محالست چه
اگر او بدین میبود احتیاج لازم می آمد و حال آنکه او غنی علی الاطلاق است و این رد بر یهود و نصاری و بنی ملیح است که حق تعالی را فرزندان و بنات میگویند
تعالی الله عن ذلک و نیست مر او را انبازی در پادشاهی چه اگر او را شریکی باشد یا مخلوق او خواهد بود یا نه پس اگر مخلوق است بنده او باشد شریک
نتواند بود و اگر مخلوق او نیست شریک او باشد در ذات و این محالست زیرا که این در دلایل توحید ثابت و مبرهن گشته این رد بر مشرکان است که بتان را شریک
حق تعالی میکنند و نیست مر او را دوستی از جهة مذلتی که داشته باشد یا بسبب دوستی عزیز گردد یا متولی امور او شود بجهة عجز مثل ولی طفل و این
محالست چه در آن امور محتاج خواهد بود بآن و او غنی مطلق است و گفته اند دوست گرفتن حق سبحانه و تعالی نه بجهة آنست که بعد او از ذل
رسد بلکه دوست آنست که او از حضیض مذلت باوج عزت ترقی کند و تعظیم کن او را تعظیم کردنی یعنی حق او را بزرگ دان از وصف واصفان و معرفت
عارفان و گفته اند معنی کبره آنست که بگوید الله اکبر و آن در نماز واجب رکن است و در تسبیح فاطمه علیها السلام و غیر آن مستحب آیه آخرین را از این سوره آیه عز
گویند بجهة هر کودکی که از بنی عبد المطلب که سخن در آمدی حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله این آیه بدو آموختی و روایتست از پیغمبر صلی الله علیه و آله که
هر که بخواند سوره بنی اسرائیل را رقیق گردد دل او نزد ذکر والدین و مر او را باشد قنطاری در بهشت و آن هزار و دویست وقیه است و اما حسنات
و از ابی عبد الله علیه السلام منقولست که هر وقیه بزرگتر از کوه احد باشد در عطای الهی نقل میکنند از اهل البیت علیهم السلام که هر که روایت
آخرین این سوره که قل ادعوا الله تا آخر بخواند در وقت خواب ایمن گردد و محفوظ باشد
از هر شیطان مکار و جبار و غدار تا صباح شود تمت الکتاب بعون الملک الوهاب

کتبه العبد الاقل المذنب عبد القادر بن محمود قهپایی
در تاریخ یوم الاحد منتصف شهر شوال المنتظم
سنه ۱۰۶۹

بازبینی شد
۱۳۷۱ ش

و حساب اقرا ... و بیشتر
۳ و خواص این بسیار است ... والله اعلم و باید که در
بغیر از خدا کسی ... چون خواهد که
وقت خواب ... واجب ...
این روایت بخوانند ...
شیطان نکند ... تم المجلد الاول من تفسیر
الشریف الموسوم بترجمة الخواص ...
الزواری تالیف علی بن الحسن الزواری ... الی سورة
و یتلوه المجلد الثانی من سورة الکهف
الی الناس تمام القرآن